

جهت گیری و نوآوری برنامه درسی در نظام آموزش عالی ایران

لادن سلیمی^۱، فاطمه ابراهیمی مرمتی^{۲*}

چکیده

برنامه درسی و مبانی آن از جایگاه ویژه ای در آموزش عالی برخوردار است. برنامه ریزی درسی دانشگاهی در دنیای امروز می تواند فرصت های زیادی را برای رشد آموزش عالی فراهم نماید. در این راستا مراکز آموزش عالی و دانشگاه های متعددی در دنیا به دلیل تغییرات گسترده در محیط پیرامون خود، نیازمند به برنامه ریزی و پیاده سازی نوآوری هستند. هدف مقاله حاضر بررسی جهت گیری ها و نوآوری های برنامه درسی در نظام آموزش عالی ایران است و روش گردآوری اطلاعات به صورت مطالعه مروری است. نتایج حاصل از بررسی مبانی تجربی و نظری این تحقیق نشان داده است که : در نظر گرفتن دو بعد نظری و عملی از تدوین اهداف و محتوا، تا ارزشیابی و تدوین بازخورد و ارائه راهکارهای متناسب با تغییرات جهانی و تلاش برای ایجاد نوآوری از ضرورت های اجتناب ناپذیر در جهت گیری و نوآوری برنامه درسی در نظام آموزش عالی ایران است.

واژگان کلیدی : جهت گیری، نوآوری، برنامه درسی، آموزش عالی

۱- عضو هیات علمی و استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری. S.ladan@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری. *نویسنده مسئول :

72.f.ebrahimi@gmail.com

مقدمه :

(بینش و همکاران، ۱۳۹۵). مفهوم جهت‌گیری برنامه درسی، موضع‌گیری‌هایی است که نسبت به برنامه درسی، اهداف تربیتی، یادگیرنده، فرآیند یادگیری و آموزش، محیط یادگیری و نقش معلم اتخاذ می‌شود. (پوراسماعیل و همکاران، ۱۳۹۷). یکی از جهت‌گیری‌ها و تاکیدات عمده در سیاست‌گذاری‌های بخش آموزش عالی ایران توجه به رشد کیفی با تاکید بر پژوهش و جبران عقب ماندگی در علوم مختلف از جمله علوم انسانی است. مطالعه و بررسی چالش‌ها و جهت‌گیری‌های بخش آموزش عالی در برنامه های اول و دوم و سوم و چهارم و پنجم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند سیر جهت‌گیری‌ها و تاکیدات عمده و به عبارت دیگر انتظارات کلی از بخش آموزش عالی ایران را نشان دهد. (عارفی، ۱۳۸۴).

نظام آموزش عالی ایران برای حرکت به سمت توسعه پایدار و کمک به تحقق اهداف عالی نظام مقدس جمهوری اسلامی در افق چشم انداز ۱۴۰۴ به شکل کلان و برای رسیدن به اهداف نظام آموزش عالی نیازمند به برنامه ریزی و اجرای نوآوری های مناسب است. (خسروی، ۱۳۹۶). در این دوران فرصت‌های نوآوری نه تنها یک ضرورت، بلکه شرط بقاست و باید هر چه سریع تر درصدد شناخت و ایجاد آن برآمد. علی‌رغم ماهیت مهم و فراگیر نوآوری، محققان تعلیم و تربیت به ندرت آن را مورد توجه قرار داده اند. در بسیاری از مجامع آموزشی کشورهای پیشرفته، غالباً وقتی از تدوین و پیاده سازی برنامه هایی به منظور کاربرد خلاقیت سخن به میان می‌آید، در

آموزش عالی یکی از زیرساخت‌های نظام آموزشی هر کشور است که وظیفه آن تربیت نیروی متخصص در حوزه‌های مختلف، پژوهش و ارائه خدمات تخصصی در حوزه‌های متنوع علم و فناوری جامع است. برنامه درسی در آموزش عالی یکی از زیرنظام‌هایی است که نقش اساسی در متحول شدن آموزش عالی و جامعه دارد. (کیایی جمالی و همکاران، ۱۳۹۷). آموزش عالی به عنوان یک حوزه تخصصی شامل زیرسیستم‌ها و قلمروهای متعدد از جمله پژوهش، آموزش، مشاوره، ارزیابی، برنامه‌های درسی و غیره است که ارتقای آن نیازمند به یک جهت‌گیری راهبردی و اتخاذ سیاست‌هایی مبتنی بر رشد و ارزشیابی متناسب با تحولات محیطی موجود و بهره‌گیری از آنها است. (تیچلر^۱، ۲۰۱۵). برنامه‌های درسی که قلب مراکز دانشگاهی به شمار می‌آیند، آیینه تمام‌نمای کارکردها و اهداف آموزش عالی هستند که بسیار حائز اهمیت و شایان توجه دقیق هستند. (رینولدز و هانکوک^۲، ۲۰۱۰). برنامه‌ریزی درسی در نظام آموزش عالی ایران تا سال ۱۳۵۷ عمدتاً الگوبرداری از برنامه‌های آموزشی و درسی دانشگاهی به سبک دانشگاه‌های فرانسوی بود. در نظام دانشگاهی پیش از انقلاب اسلامی گرچه دانشگاه‌ها در زمینه برنامه ریزی‌های آموزشی و درسی از استقلال نسبی برخوردار بودند، اما هیچ‌گاه برنامه‌ریزی درسی به صورت دانش سازمان یافته مورد توجه مدیران دانشگاهی نبوده است

1. Teichler.

2. Reynolds & Hancock.

- خسروی (۱۳۹۶) تحقیقی با عنوان «شناسایی دیدگاه متخصصان برنامه درسی درباره چالش‌های نوآوری در برنامه درسی آموزش عالی با استفاده از روش کیو» انجام داده است که یافته‌های تحقیق او نشان داد که: متخصصان برنامه درسی با دو نگرش کاملاً متفاوت یعنی نگرش کلان، و نگرش خرد به چالش‌های نوآوری‌های برنامه درسی نگاه می‌کنند. متخصصان دارای نگرش کلان بر این باورند که عمده چالش‌های پیش روی نوآوری‌های برنامه درسی آموزش عالی ناشی از متغیرها و عوامل محیطی، زیرساختی و اجرایی نظام آموزش عالی است که ارتباط زیادی با ذینفعان و ماهیت برنامه درسی ندارد. اما متخصصان برنامه درسی با نگاه خرد بر این باورند که عمده چالش‌های پیش روی نوآوری‌های برنامه درسی آموزش عالی به دلیل عوامل فردی، فنی و تخصصی مربوط به رشته و ذینفعان و کاربران برنامه درسی است.

- بینش و همکاران (۱۳۹۵) تحقیقی با عنوان «بررسی برنامه درسی دانشگاهی، تصمیم‌گیرندگان و عوامل موثر بر آن» انجام داده‌اند که یافته‌های تحقیق آنان نشان داد که: برای افزایش بازدهی آموزش باید از برنامه‌های درسی فعال استفاده کرد و روش‌های یادگیری فعال را گسترش داد.

- خسروی و آرمان (۱۳۹۴) تحقیقی با عنوان «الگویی برای پیاده‌سازی نوآوری در برنامه درسی نظام آموزش عالی» انجام داده‌اند که یافته‌های تحقیق آنان نشان داد که: شش دسته از عوامل که بر اجرای نوآوری‌های آموزشی در نظام

عملی نمودن و کاربست آنها، کمتر مقاومت جدی نشان می‌دهند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۲). از این رو محقق در این پژوهش جهت گیری برنامه درسی و نوآوری آن در نظام آموزش عالی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

پیشینه تحقیق:

- کیایی جمالی و همکاران (۱۳۹۶) تحقیقی با عنوان «بررسی جهت گیری‌های برنامه درسی در دوره تمرکزگرایی در نظام آموزش عالی ایران» انجام داده‌اند که یافته‌های آنان نشان داد که: دوره تمرکزگرایی از سال ۱۳۶۳ با شکل‌گیری شورای عالی برنامه ریزی در بدنه وزارت علوم شروع و تا سال ۱۳۷۹ ادامه یافت. در این دوره برای تحقق بخشیدن به اهداف انقلاب اسلامی برنامه‌های دوره‌های تحصیلی به صورت متمرکز و به وسیله شورای عالی برنامه‌ریزی مورد بازبینی قرار گرفت و دانشگاه‌ها ملزم به اجرای مصوبات آن شورا شدند. بدین ترتیب، نظام برنامه‌ریزی درسی متمرکز، سایه خود را بر آموزش عالی کشور نیز افکند.

- سلیمی و شهبازی (۱۳۹۶) تحقیقی با عنوان «سنجش جهت‌گیری برنامه درسی اساتید، مطالعه موردی اساتید دانشگاه کردستان انجام داده‌اند. یافته‌های تحقیق آنها نشان داد که: دو جهت‌گیری غالب در بین اساتید، یکی جهت‌گیری برنامه درسی فرآیند‌های شناختی و دیگری جهت‌گیری برنامه درسی عقل-گرایی دانشگاهی است.

مجازی» مطالعه ترکیبی انجام داده که یافته های تحقیق او نشان داد که: بین جهت گیری های برنامه درسی استادان و احساس حضور دانشجویان رابطه وجود دارد. استادانی که دارای جهت گیری برنامه درسی انسان گرایی و بازسازی گرایی اجتماعی و تلفیقی شواب هستند، در مقایسه با استادانی که دارای سایر جهت گیری ها هستند، دانشجویانشان احساس حضور بارزتری دارند. بنابراین توجه به باورها و نگرش های آموزشی استادان جهت افزایش احساس حضور دانشجویان بسیار اهمیت دارد.

- موسوی و همکاران (۱۳۹۲) تحقیقی با عنوان «بررسی ارتباط بین ابعاد جو سازمانی و میزان پذیرش نوآوری برنامه درسی» انجام داده‌اند که یافته های تحقیق آنها نشان داد که: بین ابعاد جو سازمانی و میزان پذیرش نوآوری برنامه درسی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بین ابعاد جو سازمانی، تصویر سازمانی، مردم سالاری، نظم و قانون، تحقق اهداف کلی سازمان، عوامل فرهنگی و اجتماعی و میزان پذیرش نوآوری در اهداف برنامه درسی در محتوای برنامه درسی، فعالیت‌های یاددهی یادگیری، روش‌های ارزشیابی برنامه درسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

- تانوردی و اپاک^۱ (۲۰۱۴) در پژوهشی نشان دادند که: مربیان، جهت‌گیری برنامه درسی انسان گرایی و فرآیندهای شناختی بیشتر از سایر جهت‌گیری‌ها ارزش گذاری کردند.

- فیلیمو ویکز و ترانکوبا^۲ (۲۰۱۴) نشان دادند که: مهم‌ترین شاخص های نوآوری عبارتند

آموزش عالی ایران تأثیر مستقیم دارند که شامل: فرهنگ برنامه درسی، ویژگی های پذیرندگان نوآوری، ویژگی نوآوری، سیاست های محیط کلان، عوامل تسهیل کننده و عوامل محدود کننده، هستند.

- حسینی لرگانی و همکاران (۱۳۹۳) تحقیقی با عنوان «طراحی الگوی سنجش برنامه درسی زاید در نظام آموزش عالی ایران» انجام داده‌اند که یافته‌های تحقیق آنان نشان داد که: نه سازه اثر گذار بر شکل گیری برنامه‌درسی از دیدگاه استادان و دانشجویان عبارتند از محتوا، دانشگاه بازنگری، نیازسنجی و ارزشیابی، استاد، سیاست- های کلان آموزشی، طراحان، دانشجو، و در نهایت ضعف پویایی بازار.

- سلیمی و همکاران (۱۳۹۳) تحقیقی با عنوان «تبیین سیر تحول و اصلاح نظام برنامه درسی آموزش عالی بعد از انقلاب اسلامی در ایران» انجام داده‌اند که یافته های تحقیق آنها نشان داد که: برنامه درسی در نظام آموزش عالی تاکنون جهت گیری های متفاوتی را پشت سر گذاشته است. تجربه ای که از دوره‌های برنامه‌ریز درسی دانشگاهی قبل و بعد از انقلاب اسلامی حاصل می شود. گذار از یک نظام برنامه‌ریزی نسبتاً مستقل به نظام متمرکز افراطی و واگذاری اختیارات نسبی برای برنامه ریزی دانشگاهی به سمت واگذاری اختیارات کامل برای برنامه ریزی درسی به دانشگاه های دارای هیات ممیزه است.

- بورنگ (۱۳۹۲) تحقیقی با عنوان «بررسی نقش جهت گیری های برنامه درسی استادان بر احساس حضور دانشجویان در محیط

¹Tannverdi & Apak

²Filimowicz & Tzankova

- ماهلیوس^۴ و دیگران (۲۰۰۸) در پژوهشی نشان داد: که همبستگی درونی نزدیکی میان جهت گیری های مختلف برنامه درسی وجود دارد.

از: رویکرد موردی به تدریس و یادگیری، مدل بازخوردی چندگانه، محیط تجربی و یادگیری فعال.

- رجب^۱ (۲۰۱۳) نشان داد که: علی رغم تلاش های رسمی در راستای نوآوری در برنامه های درسی، همچنان در متون درسی و کلاس های آموزشی به جای رویه های فراگیر محور و پرورنده درک شناختی معلمان و دانش آموزان، بر یادگیری طوطی وار و مکانیکی و معلم محور تأکید می شود.

تاتیل^۲ (۲۰۱۰) در تحقیقی دریافت که: مهارت های نوآورانه از طریق پروژه های توسعه زندگی واقعی و عملی یادگرفته می شود و چرخه یادگیری نو آورانه، صلاحیت های نو آورانه را تقویت و حمایت می کند.

کرک گوز^۳ (۲۰۰۹) پژوهشی با عنوان «چالش تولید و حفظ نوآوری در برنامه درسی در آموزش عالی» انجام داد. یافته های تحقیق او نشان داد که: فرایند تجدید برنامه درسی، در این تحقیق به این دلیل موثر و پویا تشخیص داده شده که بر مبنای نیازهای دانشجویی و هیأت علمی است؛ تحلیل نیازهای دانشجویی و هیأت علمی است و به تحلیل نیازهای چند بعدی متعهد است و در پرتو تحقیقات جاری مربوط به طراحی برنامه درسی، ارزیابی نظام مند برنامه، شرکت کارکنان تدریس در تصمیم گیری و مکانیزم بازخورد مداوم تلفیق شده با این سیستم تولید شده است.

¹. Rajab

². Taatila,

³. Kirkgoz

جدول ۱- جهت گیری‌های برنامه درسی آموزش عالی:

محقق	سال	موضوع	نتیجه
کیایی جمالی و همکاران	۱۳۹۶	جهت گیری های برنامه درسی	در فرآیند زمانی شروع تا انقلاب اسلامی نظام برنامه ریزی درسی متمرکز در آموزش عالی کشور شکل گرفت .
سلیمی و شهبازی	۱۳۹۶	جهت گیری های برنامه درسی	انواع جهت گیری برنامه درسی شامل: فرآیند های شناختی و عقل گرایی دانشگاهی است
حسینی لرگانی و همکاران	۱۳۹۳	سنجش برنامه درسی	سازه‌های اثر گذار بر شکل گیری برنامه درسی شامل: محتوا، دانشگاه بازنگاری، نیازسنجی و ارزشیابی، استاد، سیاست های کلان آموزشی، طراحان، دانشجو، و در نهایت ضعف پویایی بازار است.
سلیمی و همکاران	۱۳۹۳	روند برنامه درسی آموزش عالی	گذار از یک نظام برنامه ریزی نسبتا مستقل به نظام متمرکز افراطی و سرانجام به سمت واگذاری اختیارات نسبی برای برنامه ریزی دانشگاهی به سمت واگذاری اختیارات کامل برای برنامه ریزی درسی به دانشگاه ها دارای هیات ممیزه .
بورنگ	۱۳۹۲	جهت گیری های برنامه درسی	توجه به باورها و نگرش های آموزشی استادان جهت افزایش احساس حضور دانشجویان بسیار اهمیت دارد.
تانوردی و اپاک	۲۰۱۴	جهت گیری برنامه درسی	جهت گیری برنامه درسی انسان گرایی و فرآیند های شناختی بیشتر از سایر جهت گیری ها ارزش گذاری های هستند.
ماهلوس و دیگران	۲۰۰۸	جهت گیری برنامه درسی	همبستگی درونی نزدیکی میان جهت گیری های مختلف برنامه درسی وجود دارد.

جدول ۲- نو آوری های برنامه درسی آموزش عالی

موسوی و همکاران	۱۳۹۲	نوآوری برنامه درسی	بین ابعاد جو سازمانی و میزان پذیرش نوآوری برنامه درسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.
خسروی	۱۳۹۶	نوآوری در برنامه ی درسی	متخصصان برنامه ی درسی با دو نگرش نگرش کلان و نگرش خرد به چالش های نوآوری های برنامه ی درسی نگاه می کنند.
بینش و همکاران	۱۳۹۵	نوآوری در برنامه درسی	شش دسته از عوامل نوآوری های آموزشی در نظام آموزش عالی ایران شامل: فرهنگ برنامه درسی، ویژگی های پذیرندگان نوآوری، ویژگی نوآوری، سیاست های محیط کلان، عوامل تسهیل کننده و عوامل محدود کننده است.
فیلیمو ویکز و تزانکویا	۲۰۱۴	نوآوری برنامه درسی	مهم ترین شاخص های نوآوری عبارتند از: رویکرد موردی به تدریس و یادگیری، مدل بازخوردی چندگانه، محیط تجربی و یادگیری فعال.
رجب	۲۰۱۳	نو آوری برنامه درسی	تلاش های رسمی در راستای نوآوری در برنامه های درسی، همچنان در متون درسی و کلاس های آموزشی صورت گیرد.
تاتیللا	۲۰۱۰	نو آوری برنامه درسی	مهارت های نو آورانه از طریق پروژه های توسعه زندگی واقعی و عملی یادگرفته می شود .
کرک گوز	۲۰۰۹	نو آوری برنامه درسی	فرآیند تجدید برنامه درسی، به این دلیل موثر و پویا تشخیص داده شد که بر مبنای نیازهای دانشجویی و هیأت علمی است.

گردآوری اطلاعات آنها تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد. به طوری که برخی مقالات کمی، و برخی کیفی و مروری هستند. نکته حائز اهمیت که بر اساس مطالعات انجام شده، روشن شده است که پژوهش کامل و جامعی که به طور مشترک به هر

همچنین پژوهش‌های دیگری در داخل و خارج از کشور در زمینه اهمیت و نقش قابل ملاحظه جهت‌گیری و نوآوری برنامه‌درسی در آموزش عالی انجام شده است که نتایج کم و بیش یکسانی را ارائه داده‌اند. اما در روش پژوهش و

مؤلفه برنامه درسی یعنی هدف آموزش، تدریس، یادگیری، ماهیت دانش، ماهیت فراگیر و ارزشیابی می‌باشند (اسکایرو، ۲۰۰۸).

انواع جهت‌گیری برنامه درسی

جهت‌گیری برنامه درسی شامل دو بخش نظری و عملی است. درباره وجه تمایز میان جهت‌گیری نظری و عملی برنامه درسی با الهام از مفاهیم برنامه درسی قصد شده و اجرا شده می‌توان گفت که مقصود از جهت‌گیری عملی برنامه درسی، مجموعه اقدامات و فعالیت‌هایی است که بر اساس نظام ارزشی معلمان در محیط واقعی مدرسه و کلاس‌های درس به اجرا درمی‌آید. در واقع جهت‌گیری‌های عملی برنامه درسی، تفسیر و برداشتی از برنامه درسی قصد شده به وسیله معلمان است که با توجه به تجربه و اعتقاد آنها در کلاس به اجرا در می‌آید. جهت‌گیری‌های عملی برنامه درسی، مفهوم مهمی در درک تفکر معلم درباره موضوع درسی و کلاس درس است و به عنوان یک نظام ارزشی در زمینه عناصر برنامه درسی مانند: اهداف، محتوا، استراتژی‌های تدریس و ارزیابی آموزشی در نظر گرفته می‌شود. (پور اسماعیل و همکاران، ۱۳۹۷).

اقسام دیدگاه‌های جهت‌گیری برنامه درسی

جهت‌گیری‌های برنامه درسی دارای دیدگاه‌های متفاوتی است که عبارتند از:

۱- عقل‌گرایی آکادمیک: این دیدگاه، کارکرد و نقش اصلی نظام آموزشی را تقویت رشد قوای ذهنی دانشجویان از طریق موضوعات درسی که از ارزش بالای یادگیری برخوردار هستند، می‌داند.

دو مقوله‌ی جهت‌گیری و نوآوری برنامه درسی در نظام آموزش عالی ایران پرداخته باشد، به‌طور منسجم انجام نگرفته است که این امر از نقاط قوت و ضرورت‌های اجرای پژوهش حاضر است.

جهت‌گیری برنامه درسی:

جهت‌گیری‌های برنامه درسی یکی از شیوه‌های تفکر فرد درباره محتوا، مقاصد و شکل برنامه درسی است. آیزنر^۱ (۱۹۹۲) جهت‌گیری‌های برنامه درسی را مجموعه‌ای از باورها درباره این که چه باید یاد داد؟ هدف یادگیری چیست؟ و به چه دلیل و چگونه باید یاد دهیم؟ تعریف کرده است. هر جهت‌گیری برنامه درسی دارای ایدئولوژی و هدف متفاوتی است. (اکبری بورنگ، ۱۳۹۲).

در واقع می‌توان گفت که جهت‌گیری‌های برنامه درسی، مفهوم مهمی در درک تفکر معلم درباره موضوع درسی و کلاس درس است. به عبارت دیگر مجموعه‌ای از باورها درباره عناصر برنامه درسی همانند، اهداف، محتوا، استراتژی‌های تدریس و ارزیابی آموزشی است. (اکبری بورنگ و همکاران، ۱۳۹۱).

اسکایرو^۲ از جمله افراد معاصر درحوزه برنامه درسی، از جهت‌گیری‌های برنامه درسی با عنوان «ایدئولوژی‌های برنامه درسی» نام می‌برد او معتقد است که این ایدئولوژی‌ها، دیدگاه‌ها، فلسفه‌ها، عقاید، چهارچوب‌های مفهومی و سیستم‌های فکری معلمان در رابطه با شش

¹. Eisner

².Schiro

حال نگر و آینده نگر است. وجه اشتراک این دو نظریه، این است که هر دو به اجتماع به عنوان منبع اطلاعات برای برنامه درسی می‌نگرند.

۶- دیدگاه به گزینی شواب: این رویکرد دارای اساس نظری و فلسفی نیست بلکه رویکردی است که در حل عملی مشکلات یک بوم خاص ریشه دارد (اکبری بورنگ و همکاران، ۱۳۹۱).

اقسام جهت گیری های اساسی برنامه

درسی در آموزش عالی

در جهت‌گیری‌های اساسی برنامه درسی در آموزش عالی باید به چهار حیطه توجه کرد که عبارتند از:

الف- حیطه تخصصی: منظور ویژگی‌های اساسی مختص حیطه خاصی از دانش بشری هستند که بعد تخصصی برنامه‌های درسی آموزش عالی را تشکیل می‌دهند. این حیطه تحت عنوان تربیت یا پرورش نیروی انسانی متخصص و مورد نیاز بخش‌های مختلف جامعه بیان می‌شود.

ب) حیطه پژوهش و توسعه دانش بشری: مربوط به ویژگی‌هایی است که برای انجام پژوهش و توسعه دانش بشری ضروری است. بنابراین یکی از جهت‌گیری‌های عمده برنامه درسی در آموزش عالی در تمامی سطوح آن، توجه به این حیطه و سازماندهی عناصر در این راستا و پرورش پژوهشگران شایسته در همه تخصص‌ها است.

ج) حیطه پرورش معلمان و مربیان: از دیدگاه عده‌ای این حیطه بسیار وسیع و تخصصی

۲- برنامه درسی به عنوان فناوری

رفتارگرایی: این رویکرد، کارکرد برنامه درسی را به‌عنوان یکی از ابزارهای اساساً اثر بخش بر مجموعه‌ای از اهداف از پیش تعیین شده و غیر دشوار مفهوم سازی می‌کند. جهت‌گیری فناورانه به مثابه رویکردی فرآیندی با فرآیندهای شناختی در میزان توجه‌شان متفاوت است. این جهت‌گیری به فرایندهای دانستن یا یادگرفتن نمی‌پردازد، بلکه به تکنولوژی می‌پردازد که دانش از طریق آن منتقل و یادگیری آسان می‌گردد.

۳- دیدگاه رشد و توسعه فرایندهای ذهنی

و عقلی: این دیدگاه به برنامه درسی به عنوان پدیده‌ای در خدمت رشد و توسعه فرایندهای ذهنی می‌نگرد و مهم‌ترین نقش یا کارکرد مدارس را کمک به دانش آموزان می‌داند تا بیاموزند که چگونه یاد بگیرند. این دیدگاه با انتقال دانش و اطلاعات به دانش آموزان به شدت مخالف است و به بر فرآیندها توجه می‌کند و آنها را محور آموزش و تعلیم و تربیت می‌داند.

۴- دیدگاه انسان گرایی: در این دیدگاه،

فرد محور، و منبع اطلاعات و تصمیم‌های برنامه درسی است. بر اساس این دیدگاه معلمان باید برنامه درسی خود را با هماهنگی و همفکری دانش آموزان تهیه کنند. این مؤلفه به اجرای برنامه‌های از پیش تعیین شده اعتقادی ندارند. چرا که در این گونه برنامه‌ها، علایق و نیازهای دانش آموزان نادیده گرفته می‌نشود.

۵- دیدگاه بازسازی اجتماعی- تطابق

اجتماعی: این دیدگاه بر تقدم نیازهای جامعه بر نیازهای فردی تأکید دارد و دارای دو نظریه کلی

بخش از اهداف و رسالت ها و وظایف کلی آموزش عالی می شوند. این حیطه با عناوینی هم چون تربیت و یا آموزش عمومی، پرورش شهروندان متعهد و مسئول و پرورش قابلیت های شخصی هم چون خلاقیت و توانایی ها و انتقال میراث فرهنگی و ارزش ها مطرح می گردند که در کنار حیطه های مطرح شده از اهمیت بسزایی برخوردار هستند.

است و در واقع جزئی از حیطه اول به شمار می آید که نمی توان آن را به طور جداگانه مطرح نمود. ولی عده ای دیگر ضمن قبول این مطلب به دلیل اهمیت نقش آن و در نتیجه مشخص نمودن جایگاه آن در برنامه درسی آموزش عالی آن را به عنوان یک بعد مجزا مطرح می سازند.

(د) حیطه آموزش عمومی: این حیطه شامل ویژگی هایی است که مختص یک موضوع از دانش بشری در رشته های علمی و مربوط به آن

رابطه حیطه ها و جهت گیری های عمده برنامه های درسی آموزش عالی با وظایف و رسالت های کلی آن	
وظایف و رسالت های کلی آموزش عالی	دانش و مهارت مربوط به یک رشته تخصصی ← پرورش متخصصان دانش و مهارت مربوط به پژوهش و توسعه دانش ← پرورش محققان دانش و مهارت مربوط به شهروندی، خلاقیت و تفکر انتقادی ← آموزش عمومی دانش و مهارت مربوط به انجام وظیفه پرورشی ← پرورش مربیان (مربی در معنای عام)

اقتباس از عارفی (۱۳۸۴).

طور کلی می توان در این مرحله جهت گیری های جزئی را به چند دسته تقسیم نمود:

۱- جهت گیری های شناختی - ذهنی، فرآیند شناختی: مانند توجه به حل مسئله تفکر منطقی، تفکر خلاق.

۲- جهت گیری های اجتماعی، اخلاقی:

الف - توجه به پرورش مهارت های ارتباطی کلامی، غیرکلامی یا مرادده موثر

ب- محافظت از ارزش های فرهنگی، توجه به کثرت گرایی فرهنگی، حقوق بشر و دموکراسی

ج- توجه به مسائل جامعه محلی، ناحیه ای، ملی، جهانی هم چون فقر، عدم عدالت و نابرابری رشد جمعیت

توجه به چهار حیطه مطرح شده می تواند یک راهنمای کلی برای شکل دادن به برنامه های درسی آموزش عالی باشد. به عبارت دیگر، یک برنامه درسی دانشگاهی جامع، بایستی به گونه ای سازماندهی شود که انواع حیطه های مطرح شده در آن، از جایگاه مناسبی بهره مند گردند (عارفی، ۱۳۸۴).

جهت گیری جزئی برنامه های درسی در آموزش عالی:

اهم جهت گیری های برنامه درسی آموزش عالی را می توان در سه مقوله با توجه به پرورش نوآوری، انعطاف پذیری و تجربه و عمل ضمن تحصیل نتیجه گیری نمود. با تبیین این نکته به

دنیا به دلیل تغییرات گسترده در محیط پیرامون خود، شروع به معرفی و اجرای نوآوری در برنامه درسی خود کرده‌اند (خسروی، ۱۳۹۶).

یکی از مهم‌ترین ارکان نظام های آموزش عالی برای ایجاد چنین ظرفیت هایی، حوزه برنامه درسی به عنوان «قلاب نظام آموزشی» خواهد بود که می تواند به خوبی نظام های آموزشی را با این تغییرات و نوآوری های روز افزون همراه سازد. اگرچه تدوین برنامه‌ها و الگوهای نوآوری در برنامه درسی نظام های آموزش عالی برای پیش بردن اهداف نظام های آموزش عالی، ضروری است، اما آنچه که مهم‌تر به نظر می‌رسد، وجود هماهنگی بین عناصر مختلف درگیر در این نوآوری است (خسروی و آرمان، ۱۳۹۴).

عوامل موثر در پذیرش نوآوری در برنامه درسی:

براساس نتایج پژوهش انجام شده، در نظام آموزش عالی ایران، چهار دسته از عوامل بر پذیرش نوآوری در برنامه درسی آموزش عالی تاثیر مستقیم دارند. این چهار دسته عبارتند از:

الف) فرهنگ برنامه درسی: منظور از فرهنگ برنامه درسی به طرز تلقی، ارزش ها و هنجارهای تخصصی حاکم بر رفتار تدوین کنندگان و مجریان برنامه درسی اطلاق می شود. وندل^۱ معتقد است که تغییر در برنامه درسی نیازمند تغییرات فرهنگی عمده است. بکارگیری نوآوری به وسیله معلمان، با فرهنگ موجود امکان پذیر نخواهد بود. آرچر^۲ (۲۰۱۱) مطرح

۳- توجه به مقوله جهانی شدن و بین‌المللی شدن یا آموزش عالی بین‌المللی را می‌توان در دو بعد مطرح کرد:

الف- پرداختن به موضوع جهانی شدن در قالب یک موضوع در بین موضوعات موجود در برنامه درسی آموزش عالی. این بعد را می‌توان در حیطه آموزش عمومی و حتی واحد های درسی اختیاری دانشجویان قرار داد.

ب- پرداختن به جهانی شدن و پرورش شهروند جهانی در قالب آموزش عالی یا بین‌المللی نمودن آموزش عالی

۴- توجه به کاربرد تکنولوژی روز: به کارگیری تکنولوژی اطلاعات در فرآیند آموزش و تدریس طیف وسیعی دارد و از جمله دسترسی به ژورنال های الکترونیکی، ارائه سخنرانی توسط کامپیوتر - انتشارات الکترونیکی نوشته ها، استفاده در پژوهش ها - برقراری مباحث الکترونیکی به صورت گروهی و انجام ویدئو - کنفرانس ها (عارفی، ۱۳۸۴).

نوآوری برنامه درسی:

امروزه توجه به نوآوری برای بقا در هر حوزه ای امری ضروری قلمداد می شود. این موضوع به دلیل ماهیت پویای نظام های آموزشی به شکل عمیق تری در حوزه ی آموزش و برنامه درسی مطرح است. نکته مهمی که در فرآیند نوآوری در برنامه درسی وجود دارد، چگونگی پذیرش نوآوری از سوی ذینفعان کلیدی آموزش عالی یعنی دانشجویان و اعضای هیأت علمی است. امروزه به دلیل ماهیت بسیار پویای محیط، مراکز آموزش عالی و دانشگاه های متعددی در

¹. Wendell

². Archer

نوآوری در عناصر برنامه درسی نه تنها جای خود را در درس های دانشگاهی و رشته های مختلف باز کرده، بلکه در دوره های مختلف آموزش عالی نیز مورد توجه قرار گرفته است. هدف اولیه از نوآوری برنامه درسی همانا تربیت افراد نوآور و خلاق و آگاه به فرصت ها است. هدف های نوآوری برنامه درسی را می توان کسب دانش مربوط به نوآوری آموزشی، تعیین و تقویت ظرفیت، استعداد و مهارت نوآوری، القای مخاطره پذیری، تقویت نگرش ها در خصوص پذیرش تغییر و غیره دانست. یکی از ضرورت های ایجاد دانشگاه نوآور در بازرگری و طراحی نظام مطلوب برنامه ریزی درسی مقطع آموزش عالی آن است که دانشگاه ها با شناخت نقاط قوت و ضعف خود به طراحی برنامه های درسی بپردازند. نوآوری از طریق تجربه و انتقال آن، قابل آموزش و یادگیری است؛ اما ترویج آن آسان نیست. از این رو، آموزش یکی از جنبه های مهم در گسترش نوآوری آموزشی است که مورد توجه ویژه ای واقع شده است. بنابراین توجه به نوآوری برنامه درسی از جمله مهم ترین ملاک های ارزیابی دانشگاه ها است (امیری و همکاران، ۱۳۹۷).

نوآوری در برنامه درسی هنگامی رخ می دهد که دانشکده ها و مدیران آموزش عالی اثربخشی برنامه های دانشگاهی را ارزیابی کنند و اصلاحات جزئی یا تغییرات کلی را پیشنهاد دهند ولی اغلب نوآوری ها در برنامه درسی ریشه در عوامل بیرونی دارد نوآوری در برنامه درسی در دانشگاه ها عمدتاً از دو دسته عامل نشات می

کرده است که فرهنگ برنامه درسی شامل ابعاد برداشت مشترک از برنامه درسی، ارزش های برنامه درسی، هویت رشته تحصیلی می باشد.

ب) ویژگی های پذیرندگان نوآوری: به عقیده راجرز تغییر و نوآوری، موجی است که از درون اجتماع می گذرد و گروه های متعددی را تحت تاثیر قرار می دهد و ماهیت انکارناپذیر نوآوری، ایجاد تغییر و تحول در ساختار هنجار اجتماعی است. این نوآوری ها براساس ویژگی های پذیرندگان تعدیل می شوند و پذیرندگان را به چند دسته تقسیم می کند: نوآوران، پذیرندگان اولیه، اکثریت اولیه، اکثریت ثانویه و شکاکان.

ج) ویژگی های نوآوری: تحقیقات متعدد نشان می دهد که ویژگی های خود نوآوری بر احتمال پذیرش یا رد نوآوری تاثیر می گذارد. این ویژگی ها به پنج دسته تقسیم می شوند. ۱. مزیت نسبی ۲. آزمون پذیری ۳. مشاهده پذیری ۴. سادگی استفاده و قابل فهم بودن ۵. سازگاری.

د) سیاست های محیط کلان پیرامون: اکثر پژوهش ها در حوزه تغییرات آموزشی در طول چندین دهه اخیر براساس سه رویکرد فناورانه، سیاسی و فرهنگی انجام شده است. برخی از این تغییرات عمدتاً خارج از کنترل عوامل درون سازمانی است. به طور کلی می توان گفت سیاست های محیط کلان در ۵ حوزه زیر شناسایی شده اند: ۱. سیاست های نظام آموزشی ۲. محیط اجتماعی ۳. محیط اقتصادی ۴. محیط سیاسی ۵. محیط فناوری (خسروی و همکاران، ۱۳۹۲).

نوآوری برنامه درسی در دانشگاه ها:

عالی نقش بسزایی دارند. (بینش و همکاران، ۱۳۹۵).

عوامل موثر بر جهت‌گیری‌های برنامه‌درسی رشته‌های مختلف در آموزش عالی عبارتند از:

- چالش‌ها و تحولات محیط آموزش عالی
- چالش‌ها و تحولات در جهت‌گیری‌ها و رسالت‌های کلی آموزش عالی در سطح بین‌المللی
- چالش‌ها و تحولات در جهت‌گیری و رسالت‌های کلی آموزش عالی در سطح ملی
- چالش‌ها و تحولات در جهت‌گیری‌های کلی و ویژه برنامه‌درسی در آموزش عالی به‌طور عام (عارفی، ۱۳۸۴)

برنامه‌های درسی، از مهم‌ترین عناصر آموزش عالی کشور هستند. که نقش غیر قابل انکاری در تحقق رسالت‌های آموزش عالی ایفا می‌کنند. در جامعه ما اگرچه در مقام سخن در رابطه با اهمیت نوآوری صحبت‌های فراوانی وجود دارد، اما در مقام عمل، موسسه‌های آموزشی، فعالیت‌های خود را با روش‌های سنتی اجرا می‌کنند. از ضرورت‌های ایجاد دانشگاه نوآور، بازنگری نظام مطلوب برنامه‌ریزی درسی در مقطع آموزش عالی است. دانشگاه‌ها باید با شناخت نقاط قوت و ضعف خود و امکانات موجود، برنامه‌های درسی متفاوت را طراحی کنند. برنامه‌های درسی در آموزش عالی، ابزار علمی و اجتماعی نیرومندی هستند که ضمن ترسیم حدود انتقال دانش و مهارت، تجربه وسیع علمی برای دانشجویان به‌شمار می‌روند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۵).

گیرند: عوامل درونی شامل ماهیت رشته تحصیلی، هیأت علمی، مواد آموزشی، منابع در دسترس و ویژگی‌های دانشجویان هستند. عوامل درونی عمدتاً از دو روش ارزیابی فرآیندهای آموزشی و ارائه بهبود برنامه حاصل می‌شود و یا از طریق ارزیابی خروجی‌های آموزشی حاصل می‌شود دسته دوم عوامل بیرونی هستند که شامل فشارهای محیطی، انجمن‌های علمی، تقاضای صنعت و سیاست‌های دولت است عوامل بیرونی بیش‌تر براساس نتایج و خروجی‌های آموزشی شکل می‌گیرد. نوآوری‌های گسترده در برنامه‌درسی نیازمند رهبری، هماهنگی و توسعه تخصصی مدرسان و مدیران دانشگاهی است. رهبری موفق چنین تغییراتی، باید مبتنی بر فرهنگ دانشگاه یعنی توجه به آداب و رسوم، هنجارها و ارزش‌های نهادینه شده، جریان‌های قدرت و سیاست در دانشگاه و باورها و نگرش‌های فردی و جمعی در مورد تغییر، روابط و فعالیت‌های اجتماعی موجود باشد. (خسروی و آرمان، ۱۳۹۴).

جهت‌گیری و نوآوری برنامه‌درسی در نظام آموزش عالی:

برنامه‌های درسی آموزش عالی از جمله عوامل و عناصری هستند که در تحقق بخشیدن به اهداف آموزش عالی نقش بسزایی دارند. از این رو برنامه‌های درسی که قلب مراکز دانشگاهی به‌شمار می‌آیند، آیینه نقش‌ها و اهداف آموزش عالی و شایسته توجه دقیق هستند. برنامه‌های درسی آموزش عالی از جمله عوامل و عناصری هستند که در تحقق بخشیدن به اهداف آموزش

ایفا می کنند. همچنین به دلیل ماهیت بسیار پویای دنیا، لازم است که مراکز آموزش عالی و دانشگاه های متعددی در دنیا به دلیل تغییرات گسترده در محیط پیرامون خود، شروع به معرفی و اجرای نوآوری در برنامه درسی خود کنند. نوآوری در برنامه درسی، حرکتی به سمت ترقی است که هدف آن، توسعه آموزش عالی و ارتباط با کشورهای مختلف، فرهنگ ها و نظام های آموزشی نوین و مطلوب است. روند رو به رشد جوامع بشری باعث شده است که حوزه آموزش عالی تغییرات گسترده ای را تجربه کند. برای این - که این تغییرات، با نیازهای روزافزون جوامع همسو باشد، شایسته است که این تغییرات، مبتنی بر نوآوری در برنامه درسی باشد. نوآوری در برنامه درسی می تواند از یک تغییر ذهنی ساده مثل برنامه مطالعاتی جدید تا تغییر گسترده را شامل شود. تأثیر نوآوری، بستگی به سطح پذیرش نوآوری های برنامه درسی و توانایی تطبیق نوآوری با یادگیری فراگیران دارد.

پیشنهاد می شود که نظام آموزش عالی ایران برای پذیرش نوآوری های برنامه درسی برنامه های مدونی را در راستای تقویت فرهنگ نوآوری و پذیرش تغییر در نظام آموزش عالی و تقویت رهبری و مدیریت صحیح تغییرات آموزشی به اجرا، بگذارد.

همچنین پیشنهاد می شود که برای ارتقای کمی و کیفی آموزش عالی ایران به موارد ذیل توجه گردد:

ضرورت ارتباط برنامه درسی دانشگاه با برنامه دوره های تحصیلی قبلی، ایجاب می کند که

در حال حاضر نوآوری آموزشی به یکی از مهم ترین فعالیت های دانشگاهی تبدیل شده است و برنامه های درسی، ابزاری مهم برای تحقق نوآوری های آموزشی به شمار می روند (باس^۱ و همکاران، ۲۰۱۳). به طوری که، یکی از موضوعات مهم، نوسازی برنامه های درسی است. این درحالی است که در برنامه های درسی کنونی، بازبینی که همراه با اصلاح اساسی در برنامه درسی باشد به ندرت انجام می شود و در بیشتر موارد تنها تغییرات کوچکی اعمال می شود. بدین معنی که برنامه های درسی، متناسب با تغییرات اجتماعی موجود تغییر نمی کنند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۵).

نتیجه گیری:

بر اساس مطالعات صورت گرفته روشن شده است که پژوهش کامل و جامعی در زمینه جهت گیری و نوآوری برنامه درسی در نظام آموزش عالی ایران به طور منسجم انجام نگرفته است. البته که این امر از نقاط قوت و ضرورت های اجرای پژوهش حاضر است. شایان ذکر است که بر اساس مفاهیم ارائه شده می توان گفت که: جهت گیری های برنامه درسی یکی از شیوه های تفکر فرد درباره محتوا، مقاصد و شکل برنامه درسی است. جهت گیری برنامه درسی شامل دو بخش نظری (محتوا) و عملی (ارزشیابی) است. یکی از مهم ترین عناصر نظام آموزش عالی و دانشگاه ها برنامه های درسی هستند که نقش تعیین کننده و غیر قابل انکاری، در تحقق اهداف و رسالت های آموزش عالی از نظر کمی و کیفی

^۱. Buss

دست‌اندرکاران برنامه درسی در آموزش عالی، برنامه های درسی دوره‌های تحصیلی قبلی را مطالعه کنند و برای رفع مشکلات آن‌ها رهنمود، پیشنهاد و راهکارهای لازم را ارائه دهند و با دست‌اندرکاران آن نظام مشاوره و رایزنی کنند. همچنین لازم است که برنامه ریزان، قبل از این‌که به شیوه‌های اجرایی و عملی بپردازند، باید در مورد عناصر برنامه درسی و مطابقت آن با تغییرات گسترده جهانی تصمیم‌گیری کنند تا بتوانند بر مبنای آن، تعادل میان عناصر و تناسب آنها را با انتظارات و آنچه که مطلوب و جدید است، برقرار کنند.

به‌طورکلی به منظور جهت‌گیری مطلوب در برنامه درسی و نوآوری آن در نظام آموزش عالی، در نظر گرفتن دو بعد نظری و عملی از تدوین اهداف و محتوا تا ارزشیابی و تدوین بازخورد و ارائه راهکارها متناسب با تغییرات جهانی و تلاش در جهت ایجاد نوآوری اقدامات لازم را باید انجام داد. شایان ذکر است که یکی از الزام‌های برنامه درسی با رویکرد یادگیری مادام‌العمر، طراحی برنامه‌درسی متناسب با شرایط کشور یا برنامه‌درسی بومی است. بنابراین پیشنهاد می‌شود برای بهره‌گیری از تجربیات جهانی، گروهی ویژه از کسانی که با فرهنگ شرق و غرب به درستی آشنایی دارند، برنامه‌های درسی دانشگاه‌های معتبر را مطالعه و نقد کنند، نقاط مثبت و منفی آنها را بررسی نمایند. سپس برنامه درسی جدید و خلاقانه‌ای، متناسب با شرایط کشور و نتایج مطالعه این گروه تهیه شود.

منابع و ماخذ

- ۱- اکبری بورنگ، محمد، جعفری ثانی، حسین، آهنچیان، محمد رضا، کارشکی، حسین. (۱۳۹۱). جهت گیری‌های برنامه‌درسی استادان: نقش جنسیت، مرتبه علمی و نحوه ارائه آموزش (مجازی، حضوری) در دانشگاه علوم پزشکی مشهد. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی. ۱۲(۳): ۲۱۹-۲۱۰.
- ۲- اکبری بورنگ، محمد. (۱۳۹۲). بررسی نقش جهت گیری های برنامه درسی استادان بر احساس حضور دانشجویان در محیط مجازی: مطالعه ی ترکیبی. پژوهش های برنامه ی درسی. ۳(۱): ۱۶-۱.
- ۳- امیری ،مجید، موسوی، ستاره، رجایی پور، سعید. (۱۳۹۷). بررسی ارتباط بین مهارت های حرفه ای با نوآوری های برنامه های درسی استادان در دانشگاه های اصفهان و صنعتی اصفهان. فصلنامه آموزش مهندسی ایران. ۲۰(۷۸): ۷۵-۵۷.
- ۴- بینش ،مرتضی ، بختیاری فایندری ،منصوره، نوید بخش، سیما. (۱۳۹۵). بررسی برنامه درسی دانشگاهی، تصمیم گیرندگان و عوامل موثر بر آن. فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری. ۲(۳): ۱۶۴-۱۵۷.
- ۵- پور اسماعیل، راحله ، امین خندقی، مقصود، مهram، بهروز. (۱۳۹۷). التقاط ناسازوار در جهت گیری های عملی برنامه درسی دانشجو معلمان : نظریه داده بنیاد. پژوهش های برنامه‌درسی. ۸(۱): ۳۰-۱.
- ۶- خسروی ،محبوبه، آرمان، مانی. (۱۳۹۴). الگویی برای پیاده سازی نوآوری در برنامه درسی نظام آموزش عالی. دو فصلنامه نوآوری و ارزش آفرینی. ۳(۷): ۸۴-۶۶.
- ۷- خسروی، محبوبه. (۱۳۹۶). عوامل مؤثر بر پذیرش نوآوری های برنامه درسی در نظام آموزش عالی. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند. ۲۵: ۷۵-۶۸.
- ۸- خسروی، محبوبه، فتحی واجاره گاه، کوروش، ، ملکی، حسن، نوروزی، داریوش. (۱۳۹۲). واکاوی پذیرش نوآوری های برنامه درسی در نظام آموزش عالی (مورد مطالعه: آئین‌نامه بازنگری برنامه درسی دانشگاه‌های ایران). فصلنامه روان شناسی تربیتی. ۲۷(۹): ۱۶۶-۱۳۵.
- ۹- سلیمی ، لادن، کشتی آرای، نرگس، فتحی واجاره‌گاه، کوروش. (۱۳۹۳). تبیین سیر تحول و اصلاح نظام برنامه درسی آموزش عالی بعد از انقلاب اسلامی در ایران. دوفصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی. ۵(۹): ۷۳-۵۲.
- ۱۰- سلیمی، جمال، شهبازی، زیبا. (۱۳۹۶). سنجش جهت گیری برنامه درسی اساتید: مطالعه موردی اساتید دانشگاه کردستان. پژوهش برنامه ریزی درسی، ۱۳(۲): ۲۷-۱۲.
- ۱۱- عارفی، محبوبه. (۱۳۸۴). برنامه ریزی درسی راهبردی در آموزش عالی. انتشارات جهاد داندنشگاهی واحد دانشگاهی شهید بهشتی. ۱۷۹-۱۳۸.
- ۱۲- کیایی جمالی، سید مهدی ، فتحی واجاره‌گاه ، کورش، موسی پور، نعمت الله، خراسانی، اباصلت. (۱۳۹۷). بررسی جهت گیری های برنامه‌درسی در دوره تمرکزگرایی در

- 15- Buss, R. R.; Zambo, D.; Painter, S. R. & Moore, M. D. (2013). Examining Faculty Member Changes in an Innovative Educational Doctorate Program. *Innov High Educ*, 38, 59–74.
- 16- Filimowicz, M. A. & Tzankova, V. K. (2014). Creative making, large lectures, and social media: Breaking with tradition in art and design education. *Arts & Humanities in Higher Education*, 5 (2), 1–17.
- 17- Kirkgoz, yasemin (2009): challenge of developing and maintaining curriculum I nnovation at higher education. In www.sciencedirect.com.
- 18- Mahlios, M., Friedman-Nimz, R., Rice, S. and Peyton, V. (2008). Measuring teachers' curricular beliefs: From Hong Kong to the United States. Paper presented at the Association of Teacher Educators, New Orleans, LA.
- 19- Rajab, T. (2013). Developing whole-class interactive teaching: meeting the training needs of Syrian EFL secondary school teachers. *Doctorate of Philosophy in Education*, The University of York. Department of Education, February .
- 20- Reynolds, J & Hancock, D. (2010). Problem-based learning in a higher education environmental biotechnology course, *Innovations in Education and Teaching International*, 47 (2): 175–186.
- 21- Schiro, M. S. (2008). *Curriculum theory: conflicting vision and enduring concerns*. United states: Sage publications India.
- 22- Taatila, Vesa P. (2010). Learning innovation in higher education. *the journal of ducation training*, 52(1), 48-61.
- 23- Tannverdi, B & Apak, O. (2014). Pre-service Teacher Beliefs about Curriculum Orientations. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 116, 842-848.
- 24- Teichler, U. (2015). Higher Education Re-search. *International Encyclopedia of the So-cial & Behavioral Sciences*, 2nd edition, 10(1), 862-869.
- نظام آموزش عالی ایران. مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی. ۱۱(۱):۱۸۴-۱۵۹.
- ۱۳- موسوی، ستاره، شریف، مصطفی، رجایی-پور، سعید. (۱۳۹۲). بررسی ارتباط بین ابعاد جو سازمانی و میزان پذیرش نوآوری برنامه درسی. پژوهش در برنامه ریزی درسی. ۱۰(۲):۲۳-۱۱.
- ۱۴- موسوی، ستاره، نیلی، محمد رضا، نصر، احمد رضا، مسعود، محمد. (۱۳۹۵). بررسی نظرات دانشجویان تحصیلات تکمیلی درباره قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای نوآوری برنامه درسی هنری در آموزش عالی هنر. فصلنامه آموزش عالی، ۱۰(۳۹): ۱۱۴-۸۷.